

# منطقه آزاد تجاری

مقدمه

اروپا نیز در مورد توسعه اقتصادی و سیاسی خود دوراه جداگانه انتخاب نمود. از یکطرف بازار مشترک اروپا EEC و منطقه آزاد تجاری در بلوک غرب ایجاد شد و از طرف دیگر شورای همیاری متقابل اقتصادی یا کومکون در شرق تأسیس گردید. شوری از این واژه داشت که در صورت قبول عضویت بازار مشترک از جانب بلوک کمونیست، درها برای نفوذ غرب به این کشورها باز خواهد شد.

## پیشنهاد ایجاد منطقه آزاد تجاری یا

European FREE TRADE AREA

فکر ایجاد بازار مشترک اروپا جهت تحقیق این بازار توسط ۶ کشور فرانسه، آلمان، بلژیک، لوکزامبورگ، هلند و ایتالیا دنبال میشد. این فکر بدلیل اینکه جنبه های فوق ملی داشت توسط برخی کشورهای محافظه کار اروپا منجمله انگلستان خوشایند نبود و چندان توسط آنکشور استقبال نمیشد. لیکن پس از گذشت چند سال و با نزدیک شدن اجرای طرح مذکور و در سال ۱۹۵۵ انگلستان متوجه گردید که در این زمینه بسیار بی توجهی نموده است. لذا برای تحت الشعاع قرار دادن بازار مشترک اروپا به همراه چند کشور دیگر بفکر ایجاد یک منطقه آزاد تجاری افتاد. مطالعات توجیهی امکان ایجاد یک منطقه آزاد تجاری و همچنین ایجاد بازار مشترک را عملی نشان داد. انگلستان این امر را مستمسک قرار داد و پیشنهاد نمود یک منطقه آزاد صنعتی ایجاد گردد. لیکن مذاکرات بعدی در این مورد بی نتیجه ماند زیرا گرچه کشورهای اروپائی پس از اجرای طرح مذکور منافعی بدست میآوردند ولی از طرفی چون این طرح از جانب انگلستان و بخاطر به شکست کشاندن طرح بازار مشترک اروپا طراحی شده بود لذا کشورهای مذکور از پیوستن به آن خودداری مینمودند. از نظر اقتصادی مشکل

فکر اتحاد سیاسی و اقتصادی اروپا اندیشه ای قدیمی است که منشاء آن به سالهای قبل از ۱۹۴۵ مربوط میشود. با توجه به اینکه قبل از جنگ جهانی اول و دوم جنگهای متعددی در اروپا صورت گرفته بود لذا سیاستمداران باین نتیجه رسیدند که چون اتحاد سیاسی بین کشورهای اروپائی برای جلوگیری از هرگونه جنگ امکان پذیر نیست لذا بایستی این کشورها از نظر اقتصادی یکپارچه گردند تا باین ترتیب اتحادی بین آنان صورت پذیرفته و از بروز جنگ جهانی دوم همچنان بصورت تئوری باقی ماند و یا اگر اتحادی نیز صورت پذیرفت چندان بادوام و عملی نبود. پس از جنگ، بعلت خرابی ها و ویرانیهای وسیع در اروپا، کشورهای غربی به رهبری امریکا تصمیم گرفتند برای بازسازی اروپا چاره اساسی نمایند. کشور امریکا معتقد بود اگر قرار است اروپا بازسازی شود بایستی تمام کشورها دست به دست هم داده و بفکر چاره باشند. در این بین کشورهای اروپا علاوه بر مشکلات اقتصادی و مسئله ویرانی و غیزه موضوع پیشروی شوروی و بلوک شرق در منطقه را پیش روی خود داشتند. در این بحبوحه اروپائیان به این فکر افتادند که علاوه بر دو نیروی امریکا و شوروی در منطقه نیروی سومی (یا نیروی اروپا) نیز لازم است تا بین این دو ابرقدرت تعادل ایجاد نموده و بعنوان یک پل بین آندو عمل نماید.

امریکا برای احیای اروپا، طرح مارشال را پیشنهاد کرد. هدف از این طرح ایجاد تسهیلات برای انجام همکاری های همه جانبه بین کلیه کشورهای اروپائی (شامل کشورهای بلوک شرق) بود. لیکن بروز جنگ سرد بین امریکا و شوروی باعث گردید دنیا به دو قطب شرق و غرب تقسیم شود. از این رو

عمده، اصرار انگلستان مبنی بر گنجاندن کالاهای صنعتی در طرح ایجاد منطقه آزاد تجاری بود. براساس طرح انگلستان کالاهای صنعتی آن کشور در کشورهای عضو مشترک المنافع قابل عرضه بود و در مقابل کالاهای کشاورزی ارزان قیمت از آنان خریداری میشد. لیکن این طرح مورد اعتراض سایر کشورها قرار گرفت چر که آنان اظهار میداشتند در صورت اجرای این طرح انگلستان قادر خواهد بود از تسهیلات تعرفه ای در مورد کالاهای صنعتی برخوردار شود لیکن در مقابل از قیمت های ارزان کالاهای کشاورزی که از کشورهای مشترک المنافع وارد انگلیس میشد بی بهره میگردیدند این کشورها اظهار میداشتند که در صورت قبول طرح از جانب آنان انگلستان قادر خواهد بود کالاهای صنعتی را با قیمت های تمام شده کمتر وارد بازار اروپا سازد زیرا که ورود مواد غذایی ارزان قیمت از کشورهای مشترک المنافع در نهایت موجب خواهد گردید که دستمزدها (که یکی از اقلام هزینه تولید میباشد) در انگلستان نسبت به کشورهای دیگر پائین تر باشد. یکی از ایرادات عمده، مسئله مبداء کالاهای وارداتی و اثرات آن بر تجارت بود بدین ترتیب که اصولاً در اتحادیه های گمرکی بعلت وجود سیستم تعرفه ای یکسان در بین کشورهای عضو در مورد واردات کالا مثلاً مواد اولیه، نتیجه کار تولیدی بستگی زیاد به توانائی کشور واردکننده در تغییر ماده اولیه به مصنوع قابل عرضه دارد. لیکن در منطقه آزاد تجاری چون هر کشور رأساً میتواند تعرفه های واردات کالا را تعیین کند یا بعبارت دیگر هر کشوری میتواند تعرفه خاصی را برای واردات مواد اولیه وضع کند و بر روی تجارت اثر بگذارد لذا حصول توافق در این زمینه تقریباً بین اعضاء غیر ممکن بود. در هر حال علت اینکه مذاکرات به نتیجه نرسید شاید عمدتاً به خاطر مسائل سیاسی بود که انگلستان و فرانسه با آن گریبانگیر بودند.

در هر حال این مذاکرات منجر به ایجاد توافق بین کشورهای انگلستان، نروژ، سوئد، دانمارک، اتریش و سوئیس

جهت تأسیس منطقه آزاد تجاری گردید. پرتغال در سال ۱۹۵۹ به این گروه پیوست و کنوانسیون EFTA در سال ۱۹۶۰ به تصویب کشورها رسید. بدین ترتیب اروپای غربی به ۲ قطب تجاری EFTA و EEC تقسیم گردید.

### خصوصیات کلی منطقه آزاد تجاری

ترتیبات مربوط به منطقه آزاد تجاری کاملاً با اهداف انگلستان مطابقت داشت زیرا که از یکطرف تشکیلات اداری آن بسیار محدودتر از EEC بود و نانیاً برای تصویب قطعنامه ها احتیاجی به داشتن رأی اکثریت نبوده بلکه با تفاهم عمومی به تصویب می رسید به همین ترتیب انگلستان میتواند نظریات خود را در مورد هر پیشنهادی به کشورهای دیگر بقبولاند. هدف اصلی انگلستان این بود که منطقه آزاد تجاری در مورد کالاهای صنعتی ایجاد شود. البته برخی کالاهای کشاورزی جزو کالاهای صنعتی محسوب میگردید ولی کلاً تجارت مواد و فرآورده های کشاورزی خارج از حیطه EFTA بود و هر کشور بهر ترتیبی که صلاح میدانست در مورد آن عمل میکرد. این امر به انگلستان امکان میداد هم از نظر فروش محصولات صنعتی در اروپا و هم خرید فرآورده های کشاورزی از کشورهای مشترک المنافع سود سرشار برد.

تشریح دو نوع از خصیصه های بارز EFTA قابل اهمیت میباشد. اولاً بعلت وجود تفاوت هائی در تعرفه های هر کشور در زمینه کالاهای وارداتی، لازم بود که قوانین مبداء کالاهای وارداتی و دستور العمل های مربوط به گمرک کاملاً مشخص میگردد تا به این ترتیب معلوم میشد که کالای وارداتی میتواند از تسهیلات تعرفه و کاهش در میزان آن بهره مند گردد یا نه؟

دوم اینکه در قرارداد EFTA تأکید چندانی در مورد یکنواخت سازی مالیات در کشورهای عضو و همچنین بیمه های تأمین اجتماعی و غیره نمیگردید.

تجدید نظر انگلستان برای پیوستن به EEC

پس از تصویب کنوانسیون EFTA انگلستان عملاً در آن

حضور پیدا نکرده و با تغییر اساسی در سیاست خود درخواست شرکت در جامعه اقتصادی اروپا را نمود. یکی از دلایل این امر مسئله جامعه مشترک المنافع بود یعنی اینکه انگلستان میباید امتیازاتی را که از جامعه مذکور بدست میآورد فدای EFTA نماید که بدین ترتیب کشورهای دیگر عضو میشوند بهمان راحتی انگلستان به ابزارهای کشورهای مشترک المنافع رسوخ نموده و از آن بهره مند شوند. مشکل دوم مسئله زلاند نوبود که از نظر فروش کره تولیدی خود به انگلستان وابسته به انگلستان بود. مسئله سوم موضوع واردات شکر انگلستان از کشورهای کم درآمدتر جامعه مشترک المنافع بود. از طرف دیگر مسئله سیستم کشاورزی انگلستان خود بر مشکلات گفته شده می افزود، زیرا که اصولاً کشاورزان در آنکشور دخالتی در امر قیمت گذاری محصولات تولیدی نداشتند و اگر قرار میشد انگلستان در EEC مشارکت کند، پس بایستی ترتیبات خاصی نیز در این مورد برای سایر اعضا در نظر گرفته میشد. مسئله عمده، ایده «فوق ملی» بود که در اینگونه اتحادیه ها در نظر گرفته میشود و طی آن کشورها مستقل بودن خود را بعنوان یک کشور کنار گذارده و از دید کلی به اتحادیه نگاه میکنند و منافع اتحادیه را بر منافع خود ارجح میدانند که این موضوع از نظر سیاستمداران انگلستان غیرقابل تحمل بود. بالاخره در ژانویه ۱۹۶۱ هارولد میلان نخست وزیر انگلستان رسماً اعلام نمود که آنکشور آماده پذیرش قرارداد EEC میباشد. درخواستهای جمهوری ایرلند و کشور دانمارک، اتریش و سوئد و سوئیس نیز جهت پیوستن به EEC همزمان به آن سازمان رسید. البته مسائل مطروحه در مذاکرات بین کشورها بسیار پیچیده بوده است. مشکل اصلی این بود که انگلستان با هدف امضای قرارداد EEC، پا جلو نگذارده بود بلکه میخواست مانند قضیه EFTA مفاد قرارداد EEC را بمیل و بسته به نیاز خود تغییر دهد. ریشه این مشکل نیز جامعه مشترک المنافع و مسئله خرید مواد اولیه ارزان انگلستان از این جامعه بود که انگلستان

را و امیداشت برای حفظ منافع خود از تقسیم آن بین کشورهای دیگر خودداری کند. بالاخره پس از مذاکرات طولانی انگلستان از EFTA جدا شد و به EEC پیوست.

### کیفیت همبستگی اقتصادی در منطقه آزاد تجاری

اتحاد اقتصادی بین کشورها بسته به نوع اقتصاد آنان میتواند انواع مختلف را در بر داشته باشد. نوع منطقه آزاد تجاری از نظر سادگی و کمتر درگیر بودن اقتصاد کشورها از نظر اجرائی بسیار سهلتر میباشد. در این نوع کشورها ترتیباتی را جهت حذف حقوق گمرکی (منجمله سهمیه ها) همبستگی کالاهائی مورد مبادله بین خود برقرار میسازند. هر کشور عضو مختار است میزان حقوق گمرکی کالاهای وارداتی از خارج منطقه تجاری را تعیین نماید. این پیشنهاد برای اولین بار توسط انگلستان و در سال ۱۹۵۷ داده شد لیکن قصد آن کشور از برقراری چنین ترتیباتی بیشتر در زمینه کالاهای صنعتی بود تا کشاورزی. گرچه بعداً برخی کالاهای کشاورزی نیز مشمول کاهش تعرفه ها در قرارداد EFTA گردید.

مشکل عمده در منطقه آزاد تجاری موضوع مبداء کالاهای وارداتی میباشد. از آنجا که هر کشوری میتواند بسته به میل خود نرخ گمرکی کالاهای وارده از خارج منطقه را تعیین کند، لذا برخی مشکلات پدید میآید. بطور مثال اگر کشور A که عضو منطقه است هیچگونه حقوقی را بابت گمرکی وضع نکند ولی کشور B برای کالاهای وارداتی در خارج از منطقه ۲۰٪ نرخ تعیین کند و با فرض اینکه حقوق گمرکی بین کشورهای عضو منطقه وجود ندارد در آنصورت کشور ارسال کننده کالا این کالا را از طریق کشور A به کشور B وارد خواهد ساخت. این کار تا زمانی که هزینه حمل و نقل کمتر از هزینه گمرکی باشد صورت خواهد گرفت زیرا که کشور صادرکننده ای که در خارج از منطقه قرار دارد با این کار هم در کشور A هزینه گمرکی پرداخت نمی کند و هم در کشور B. در این بین کشور A نیز بهنگام صدور مجدد این کالا به کشور B مقداری منافع

از طریق درآمدهای حمل و نقل و غیره میتواند کسب کند. زمانیکه قرارداد EFTA تهیه میشد کشورهای عضو مجبور شدند قانونی جهت ورود کالا از خارج منطقه به داخل را وضع کنند تا بدین ترتیب مقامات گمرکی بتوانند با استفاده از دستورالعمل‌های آن معلوم سازند کدام کالا مشمول کاهش تعرفه‌ها میباشد؟ یکی از این قوانین اینست که اولاً کالا بایستی کاملاً در داخل منطقه تولید شده باشد. زیرا کافی است که قطعه کوچکی از آن از خارج منطقه وارد شده باشد، در این صورت آن کالا مشمول حذف حقوق گمرکی نخواهد بود، یا کالای تولیدی در داخل منطقه که بخشی از آن از خارج وارد شده باشد میبایستی از ۵۰ درصد ارزش صادرات آن بیشتر باشد. (این معیار به درصد موسوم است).

مرحله بعدی اتحاد اقتصادی از طریق اتحادیه گمرکی انجام میگردد. بدین ترتیب که حقوق گمرکی بین کشورهای عضو، حذف ولی در مورد کالاهای وارده از خارج از منطقه تعرفه‌های مشابه اعمال میشود. بهمین خاطر در اتحادیه گمرکی عنوان قانون مبدا کالا دیگر مناسبتی نخواهد داشت زیرا که همه کشورهای عضو در مورد کالای وارد به داخل اتحادیه بطور یکسان عمل خواهند نمود و لذا احتیاجی به مشخص نمودن مبدا کالا نیست. ولی آنچه که هم اکنون بعنوان بازار مشترک یا EEC شناخته شده فراتر از یک اتحادیه گمرکی است، زیرا که در این بازار کلیه سیاست‌های کشاورزی و حمل و نقل و مسائل پولی و مالی کشورها هماهنگ میگردد که سرانجام این امر، اتحاد اقتصادی کشورهای عضو میباشد در صورتیکه در اتحادیه گمرکی و یا منطقه آزاد تجاری چنین اصلی بهیچ وجه رعایت نمیشود.

#### اعضا و سازمان‌های منطقه، آزاد تجاری

در حال حاضر کشورهای اتریش، نروژ، سوئد، ایسلند و سوئیس جزو اعضای EFTA میباشند. کشور پرتغال که تا سال ۱۹۸۶ جزو این گروه بود در ژانویه ۱۹۸۶ از عضویت خارج و

به بازار مشترک اروپا پیوست. مضافاً کشور فنلاند در سال ۱۹۸۵ درخواست عضویت در گروه EFTA را نموده است و در حال حاضر جزو کشورهای وابسته به این گروه میباشد. سازمان

شورای نمایندگان که بالاترین مرجع اجرایی میباشد توسط وزرای کشورها سالی دو بار تشکیل جلسه میدهد. ریاست شورای مزبور را هر ۶ ماه یکبار یکی از کشورهای عضو بعهده دارد.

کمیته‌های کاری EFTA عبارتند از:

- ۱- کمیته کارشناسان بررسی بازرگانی و تجارت
- ۲- کمیته کارشناسان گمرک
- ۳- کمیته فنی تحدید تجارت
- ۴- کمیته اقتصادی
- ۵- کمیته مشورتی
- ۶- کمیته اعضاء نمایندگان مجلس کشورهای EFTA
- ۷- کمیته بودجه
- ۸- کمیته توسعه اقتصادی
- ۹- کمیته کشاورزی و ماهیگیری

#### فعالتهای منطقه آزاد تجاری

اهداف و فعالتهای EFTA در جهت متحدسازی اعضاء بمنظور حصول بیک بازار آزاد تجاری در منطقه از طریق کوشش در استمرار رشد و فعالیت‌های اقتصادی و بهبود شرایط زندگی اعضاء و کمک بر رشد تجارت خارجی میباشد. این هدف که از سال ۱۹۶۰ به بعد دنبال شده نهایتاً بایجاد یک بازار واحد در اروپای غربی منجر خواهد شد. اولین گام در جهت دستیابی باین هدف، ایجاد بازار آزاد در زمینه کالاهای صنعتی بوده است. مضافاً هر کدام از کشورهای عضو طبق قراردادهای جداگانه از نظر تجاری با بازار مشترک اروپا در رابطه میباشند. مضافاً یک موافقت‌نامه نیز با اسپانیا بسته شده و در سال ۱۹۷۸ نیز کمیته مشترک EFTA و یوگسلاوی بقیه در صفحه ۳۲

ساختن احتیاجات کشورهای واقعاً نیازمند موفق بوده و آمارها حاکی از پیگیری چنین سیاستی بتوسط بانک مزبور میباشد. اما با توجه به اینکه بهر حال امیال سیاسی کشورهای عمده صنعتی در واگذاری بخشی از سرمایه بانک جهانی به کشورهای «دوست» کم و بیش از آمارهایی که خود اینگونه سازمانها ارائه میدهند آشکار میباشد، بنابراین این سؤال مطرح میگردد که چگونه میتوان تا حد امکان از بسط چنین روندی جلوگیری بعمل آورد.

متأسفانه بانک جهانی، سازمانی است که میزان سهم، معیار تصمیم گیری را در آن شکل میدهد. کشورهای در حال توسعه جهان هم اکنون قریب ۴۲/۵ درصد از کل سرمایه بانک و در نتیجه بهمین نسبت قدرت تصمیم گیری را در بانک مزبور

بقیه از صفحه ۲۶

به فعالیت اشتغال ورزید. هدف کلی در این زمینه گسترش همکاریهای صنعتی با این کشور میباشد و مضافاً فعالیت اعضاء EFTA فقط منحصر به موضوعات تجاری نمیشود بلکه این سازمان موضوعات مختلف اقتصادی بخصوص مسائل مربوط به سازمانهای اقتصادی در سطح جهان از قبیل بازار مشترک را هماهنگ میسازد. هدف اینست که کشورهای

در دست دارند. البته هر چند در طی دو دهه اخیر کشورهای در حال توسعه جهان توانستند قدرت خود را در بانک جهانی تقریباً تا دو برابر افزایش دهند اما چنین تحولاتی در فضائی فاقد از هرگونه تهدید به موقعیت کشورهای صنعتی صورت پذیرفته لیکن در حال حاضر که به مرز تساوی قدرت آرا در این بانک نزدیک میگردیم بنظر میرسد که بدست آوردن اختیارات بیشتر بتوسط کشورهای در حال توسعه مشکل تر و حتی غیر عملی باشد. بنابراین به زبان ساده تنها راه ممکن برای جلوگیری از هرگونه اعمال نفوذ بتوسط کشورهای عمده صنعتی عبارت از جهد کامل کشورهای در حال توسعه در برخورداری از سهمی عادلانه در این سازمان و برخورداری از قدرت تصمیم گیری کافی جهت سد نمودن هرگونه هدایت منابع مالی این سازمان به بعضی از کشورها صرفاً براساس امیال سیاسی میباشد.

کوچک عضو EFTA که به تنهایی صدائی ندارند از طریق تشکیل و یکپارچگی قادر شوند در سازمانهای بین المللی جهانی دارای قدرت شده و از یکدیگر حمایت نمایند.

در جدول ۱ و ۲ وضعیت بازرگانی EFTA در سال ۱۹۸۴ نشان داده شده است.

جدول ۱: واردات منطقه آزاد تجاری در سال ۱۹۸۴

کشورهای واردکننده	EFTA	EEC	امریکا	ژاپن	بلوک شرق	بقیه جهان دنیا	واحد: میلیون دلار
اتریش	۱۵۵۲	۱۱۸۴۰	۶۸۷	۶۳۹	۲۲۷۶	۲۵۹۸	۱۹۵۹۴
فنلاند	۲۲۳۴	۴۴۲۶	۶۲۴	۶۹۴	۲۳۵۳	۱۲۱۰	۱۲۴۴۲
ایسلند	۱۷۹	۳۹۹	۵۷	۳۸	۹۲	۷۶	۸۴۳
نروژ	۳۵۲۴	۶۳۳۴	۱۲۴۳	۶۶۶	۵۰۱	۱۶۱۸	۱۳۸۹۰
پرتغال	۴۰۵	۲۷۹۱	۱۰۵۳	۱۹۴	۹۹	۳۲۲۶	۷۷۷۰
سوئد	۴۷۳۲	۱۳۹۰۶	۲۱۴۳	۱۲۳۰	۱۴۹۴	۲۸۳۲	۲۶۳۳۹
سوئیس	۱۹۸۰	۲۰۰۳۹	۱۹۷۶	۱۱۳۵	۹۱۸	۳۷۳۰	۲۹۷۷۹
جمع کل	۱۴۶۰۹	۵۹۷۳۹	۷۷۸۵	۴۵۹۸	۸۶۳۵	۱۵۲۹۲	۱۱۰۶۶۰

جدول ۲: صادرات منطقه آزاد تجاری در سال ۱۹۸۴

کشورهای صادرکننده	EFTA	EEC	امریکا	ژاپن	بلوک شرق	بقیه جهان جهان	واحد: میلیون دلار
اتریش	۱۶۹۸	۸۳۸۳	۶۴۶	۱۶۳	۱۹۰۶	۲۹۱۸	۱۵۷۱۷
فنلاند	۲۵۷۴	۵۰۴۷	۱۰۹۳	۱۷۱	۲۷۶۷	۱۸۵۲	۱۳۵۰۷
ایسلند	۹۶	۲۸۹	۲۱۱	۲۷	۷۰	۵۴	۷۴۹
نروژ	۲۴۸۵	۱۳۲۳۹	۹۶۴	۲۶۴	۱۶۲	۱۸۰۲	۱۸۹۱۹
پرتغال	۵۴۳	۳۰۰۳	۴۶۰	۴۸	۸۵	۱۰۶۹	۵۲۱۰
سوئد	۵۳۷۰	۱۴۰۴۹	۳۳۴۵	۴۲۲	۷۴۹	۵۳۸۸	۲۹۳۲۵
سوئیس	۲۱۰۷	۱۳۰۶۱	۲۵۵۰	۸۵۵	۷۶۵	۶۶۱۷	۲۵۹۵۷
جمع کل	۱۴۸۷۵	۵۷۰۷۴	۹۲۷۲	۱۹۵۴	۹۵۰۷	۱۹۷۰۴	۱۰۹۳۸۸